

قدم و ابدیت نفس ناطقه و تعلقش از آغاز بنطفه و ظهور تدریجی و ترقی بی

انتهاش

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



لوح رقم (66) - آثار حضرت بهاءالله - امر و خلق، جلد

1

۶۶ - قدم و ابدیت نفس ناطقه و تعلقش از آغاز بنطفه و ظهور تدریجی و ترقی بی انتهاش

و نیز از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است. قوله العزیز: "نطفه از بدایت دارای جمیع کلمات است مثل روح و عقل و بصر و شامه و ذائقه مختصر جمیع قوی لکن ظاهر نیست بعد بتدریج ظاهر میشود همین قسم کره ارض از اول با جمیع عناصر و مواد و معادن و اجزاء و ترکیب خلق شده اما بتدریج هر یک از اینها ظاهر گشت اول جماد و بعد نبات و بعد حیوان و بعد انسان ظاهر شد اما از اول این اجناس و انواع در کمون کره ارض موجود بوده است... ابتدای تگون انسان در کره ارض مانند تگون انسان در رحم مادر است... روح انسانی قبل از تجلی در بدن بحالت کمون و نهان وجود داشت



ORIGINAL

و انسان تغییرات عجیبه یافت و اوضاع و اشکال مختلفه حاصل کرد تا باین صورت در آمد ... در عالم رحم نیز در نطفه عقل و روح موجود است ولکن مکتوم و مستور است بعد ظاهر میشود مانند دانه که شجره در آن موجود است ... روح انسان قدیم و ابدی است و در نتیجه ترقیات بواسطه معرفت حقّ و محبة الله و دعا دارای خصائص و صفات بی منتهی میشود.

و از آنحضرت در خطابه ای است. قوله العزیز: "این واضح است که از برای روح توقّف نیست تدنی نیست. چون تدنی نیست لابد رو بترقی است و هر چند مراتب محدود است ولی فیوضات ربّانی غیر محدود و کمالات الهی نامتناهی. لهذا از برای روح ترقی دائمی است زیرا اکتساب فیض مستمر است. ملاحظه فرمائید روح و عقل انسان از بدایت حیات رو بترقی است علم رو بتزاید است لهذا معلومات تناقض نماید بلکه در تزاید است."

حاشیة

گفته اند که افلاطون نفس ناطقه را قبل از تکوین اجسام و ابدان موجود میدانست و ارسطو نفس را حادث و فائض بعد از تکوین ابدان میگفت.